

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر استن آلمان

خرمگس

خرمگس را وارد میدان کردم با نقاب
تا شود فرهنگی و دیگر نباشد چون ذباب
گفتمش ای جان من ، ترک مگس کاری نما
تا بیایی در صف فرهنگیان با نساب
مدتی بگذشت ، آمد بر ستیز روزگار
جلوه گر شد بی حجاب و لیک بودی در حجاب
دست او بگرفتم و بردم به اوج آسمان
شهرتش بالا گرفت ، اما درید از من قطاب
نام بی فرهنگ او ، تا گشت ورد هر زبان
شد خضاب حرمتم اندر کف یاران زکاب
بسکه زخم از نیش زهر آگین دارم در جگر
تا قیامت پخته هرگز می نگردد این کباب
گرچه سرخی شفق ، از مستی چشم منست
تا ابد باشد لبالب ، این پیاله از شراب
حسرتا ، از شوری طالع و بخت بی نمک
نامه هادر کودتا ، تا خامه ام در انقلاب
فرصتی دادم که تا آرام گیرد درد دل
خرمن هستی گرفت آتش ، ز جور هر کلاب
یارب از این نابکاران ، می ندانم بهر چه
طعنه و دشنام های بیحساب و با شتاب
«نعمت» از فرهنگ و از فرهنگیان شد خسته دل
بعد ازین عزلت گزیند ، با دل پُر از حباب